

۴

فلاح

جایگزینی نشر

پیشوا

پیشوا

# سرگذشت قدس

گفتاری از آقایان امیرحسین ثابتی و محمد صادق شهبازی پیرامون تاریخ فلسطین





صحیفه ۵۲

تاریخ ۴، پاییز ۱۴۰۲

### سرگذشت قدس

گفتاری از آقایان امیرحسین ثابتی و صادق شهبازی پیرامون تاریخ و بررسی تحولات اخیر فلسطین

نشست بررسی و تحلیل تحولات اخیر فلسطین در فروشگاه کتاب حافظه تاریخی؛ ۲۰ مهر ۱۴۰۲

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد و صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



### جامعه ایمانی مشعر

قم - صندوق پستی:

۳۷۱۹۵ - ۱۵۱۳

سامانه پیامک:

۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی:

www.۱۵۴۲.org

رایانامه:

info@۱۵۴۲.org

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

مسئله فلسطین یک نکته از هزاران نابسامانی و اتفاقات ناگواری است که در جهان روی می دهد، اما نقش دولت های غربی و همدستی بنگاه های بزرگ اقتصادی باعث شده است که مسئله فلسطین به مسئله ای بسیار ویژه تبدیل شود. این واقعیت که اسرائیل با زیر پا گذاشتن قوانین و هنجارهای بین المللی سود می برد و دولت های غربی برای اسرائیل فرش قرمز پهن می کنند و تجاوزات آن را نادیده می گیرند بدین معناست که تک تک ما در خاتمه دادن به این بی عدالتی که گریبان فلسطینیان را گرفته است مسئولیت داریم.

انتشار اسناد جنگ ۱۹۴۸ در اواخر دهه ۱۹۷۰ این واقعیت را بر ملا ساخت که فلسطینیان نه به میل خود از سرزمین‌شان خارج شدند و نه به دستور ارتش‌های عربی فلسطین را تخلیه کردند. در پایان جنگ جهانی دوم صهیونیست‌ها با دستاویز قرار دادن هولوکاست (که درباره آن بحث‌های زیادی وجود دارد) پروژه خود را برای تشکیل «میهن ملی یهود» پیش بردند و شکل‌گیری دولت اسرائیل را ضروری انکارناپذیر برای جلوگیری از تکرار آن قلمداد کردند این شماره از صحیفه تاریخ‌گفتاری است از آقایان امیرحسین ثابتی و محمدصادق شهبازی که در نشست بررسی و تحلیل تحولات اخیر فلسطین در فروشگاه کتاب حافظه تاریخی ایراد گردیده است.

در این نشست ابتدا جناب آقای ثابتی تحلیلی پیرامون حوادث اخیر فلسطین و منطقه بعد از عملیات طوفان الاقصی ارائه نمودند و سپس آقای شهبازی به صورت خلاصه، تاریخچه‌ای مفید از روند شکل‌گیری مقاومت در سرزمین‌های اشغالی را توضیح داده و در پایان هم راه‌کارهایی عملیاتی و مبتنی بر تجربه را در حمایت از مقاومت ارائه دادند.



**امیر حسین ثابتی**

## حوادث تاریخ‌ساز

هر کسی بخواهد کمی تاریخ را با تأمل بخواند، متوجه می‌شود که در این صد سال اخیر، یک سری اتفاقاتی رقم خورده که مسیر حرکت خیلی از کشورها و دولت‌ها را تغییر داده و به تعبیر خودمان تاریخ را عوض کرده و به اصطلاح، تاریخ‌ساز بوده؛ مثل جنگ جهانی اول و دوم که مهم‌ترین اتفاقات صد سال اخیر است؛ در مورد جنگ جهانی دوم می‌گویند که باعث شد تا یک نظم جدیدی بعد از آن بر دنیا حاکم شود؛ یعنی آمریکا به عنوان ابرقدرت اصلی بعد از جنگ جهانی جای خودش را تثبیت کرد و یک سری سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی جدید مثل شورای امنیت، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و... تأسیس شدند و آمریکا رهبری این نظم جهانی را به عهده گرفت و توانست با استفاده از این

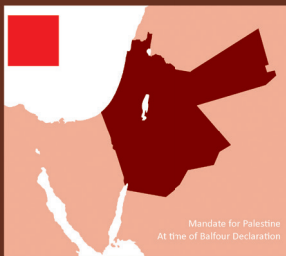
نهادها، ابزار هدایت جهان را به دست بگیرد، بعد از آن باز اتفاقات دیگری در دنیا می افتد؛ مثل جنگ سرد، فروپاشی شوروی و تبدیل آن به پانزده تا کشور که این یک مقطع مهم در تاریخ معاصر بود و باعث شد که افزایش یابد و جهان تک قطبی شود، همچنین بعد از آن اتفاقات دیگری می افتد؛ مثلاً ۱۱ سپتامبر، یک نقطه عطفی می شود و آمریکا بهانه ای می باید تا عراق و افغانستان را بگیرد و صدها هزار نفر را بکشد و به اصطلاح خودشان، خاورمیانه (غرب آسیا) را تا سال ها درگیر کند، ۵ سال بعد از آن، جنگ ۳۳ روزه بین حزب الله لبنان و اسرائیل شروع می شود و تاریخ ساز بودنش از این جهت است که بر خلاف پیش بینی همه که تصور می کردند اسرائیل پیروز میدان است و بعد از به خاک و خون کشیده شدن لبنان و حزب الله، نوبت ایران می شود، اتفاق دیگری افتاد؛ پس جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان هم یک نقطه عطف و یک مقطع مهمی است که می توان آن را آغاز سلسله شکست های اسرائیل نامید، اگر چه جبهه مقاومت قبل از آن در سال ۲۰۰۰ نیز اسرائیل شکست داده و توانسته بود جنوب لبنان را پس بگیرد، اما سال ۲۰۰۶ از جهاتی مهم تر بوده و قدرت ایران را هم در منطقه تثبیت می کند.

این وقایع تاریخی را متذکر شدم تا به این نتیجه برسم که این اتفاقی که در روز شنبه ۱۵ مهر یا ۷ اکتبر افتاد، اهمیت زیادی دارد و صرفاً چند عملیات استشهادی یا یک حمله بزن در

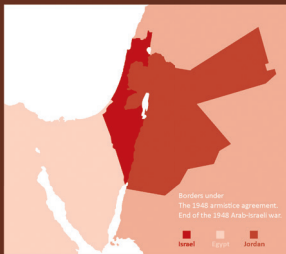
بروینی نبود؛ این حادثه اگرچه ظاهرش این است که یک ضربه‌ای زدند و آن‌ها هم دارند مبارزان می‌کنند، اما اصل ماجرا این است که این واقعه، نقطه عطفی در تاریخ صد ساله اشغالگری صهیونیست‌ها حساب می‌شود.

۱. این که می‌گویم صد ساله، چون مبنا و معیارمان در ماجرای اسرائیل، از سال ۱۹۲۱ و ماجرای قیمومیت مردم فلسطین برای انگلیسی‌ها است (تقریباً دو دهه قبل از این که اسرائیل رسماً اعلام وجود کند) که در واقع از همان موقع نطفه اصلی اسرائیل توسط انگلیسی‌ها گذاشته شد.

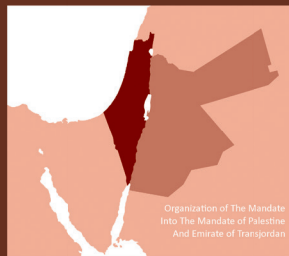
1917



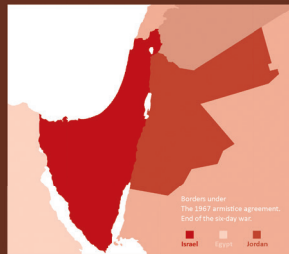
1948



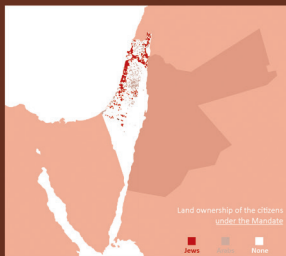
1923



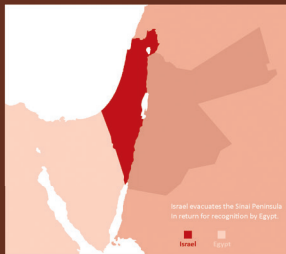
1967



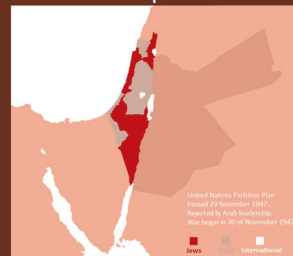
1945



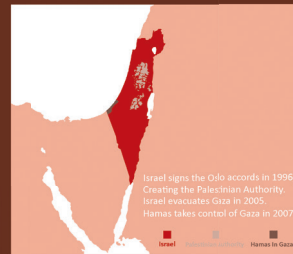
1978



UN Proposal



2008



## تولید فرصت

نکته اصلی که می‌خواهم خدمت شما عرض کنم این است که اگر کسی بخواهد سال‌ها بعد تاریخ خاورمیانه، یا به تعبیر بهتر تاریخ غرب آسیا را مطالعه کند و به ماجرای اسرائیل و فلسطین بپردازد، به هیچ عنوان نمی‌تواند از این اتفاقی که در این چند روز رخ داد راحت بگذرد، این یک نقطه عطف است، البته نه به این معنا که ما از این به بعد می‌توانیم همه چیز را به طور قطعی پیش‌بینی کنیم و مثلاً بگوییم که ظرف چند سال آینده حتماً فلان اتفاق خاص خواهد افتاد؛ نقطه عطف یعنی این که تحولی رخ داده که چندین پیامد برای اسرائیل، فلسطین، جبهه مقاومت، ایران، آمریکا، مجموعه جهان غرب و هرآن کسی که در این سال‌ها به نوعی درگیر مسأله اسرائیل و فلسطین بوده، داشته است؛ این مسئله، اولاً

برای ما یک تولید فرصت است، نه به معنای این که ما جنگ طلب هستیم و از جنگ خوشمان می‌آید؛ نه، معنی این حرف ما این قدر ساده نیست که کسی بخواهد این گونه برداشت کند که ما به دنبال جنگیم و از این وضعیت پیش آمده که غزه در حال بمباران شدن است، راضی و خوشحالیم؛ بلکه معنای تولید فرصت این است که بالاخره اشغالگری‌های اسرائیل، یک روندی داشت که حتی سال‌ها بعد از انقلاب اسلامی هم ادامه داشت، تا سال ۲۰۰۰ که دچار یک وقفه‌ای شد و بعد از آن، جنگ ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۱۱ روزه، ۸ روزه و ۳ روزه عقب‌نشینی‌هایی بود که پشت سر هم به اسرائیل تحمیل می‌شد و این عقب‌نشینی در ماجرای ۱۵ مهر ۱۴۰۲ به یک شکست بسیار مهم و جبران‌ناپذیر تبدیل شد؛ چرا که اگر بر اساس آمار و ارقام هم بخواهید ارزیابی کنید، می‌بینید که این‌ها حتی در جنگ ۶ روزه با اعراب که کل لشکر عرب به جنگ با اسرائیل آمده بودند، این قدر کشته و تلفات ندادند؛ پس این حادثه از این جهت نقطه عطف و تاریخ‌ساز است که ایستادگی پای آرمان فلسطین و پرداخت هزینه‌های مادی و معنوی، بعد از ۴۵ سال ثمر داد و تازه یک عده دارند باور می‌کنند که سرمایه‌گذاری در اینجا بی‌فائده و سرکاری نبوده است.

## دیو پوشالی

علت این که خیلی‌ها از اول همراهی نمی‌کردند این بود که معتقد بودند بر اساس مبنای قدرت اصلاً ما داریم مسیر را اشتباه می‌رویم و حتماً اسرائیل پیروز میدان است و هرچه هزینه بشود باز این اسرائیل است که آرام‌آرام به قدرت غالب تبدیل می‌شود؛ اما **حالا که این اتفاق افتاد، نشان داد که اتفاقاً اسرائیل خیلی شکست پذیر است و نابودی آن، آنگونه که بعضی‌ها تصور می‌کنند، دور از باور و افسانه نیست**، بلکه یک زمانی ارتش چهارم دنیا را داشتند و رجز می‌خواندند، کتاب‌ها نوشتند، تولید ادبیات کردند و جنگ روانی راه انداختند و البته که قدرت هم داشتند و ما منکر قدرت آن‌ها نمی‌شویم؛ زیرا کل دنیا در آن زمان پشت این‌ها بودند، ولی از یک جایی به بعد انگار اسرائیل فرتوت و نحیف شد و رو

به زوال رفت؛ شما فقط کافیسیت این اتفاق را با یک اتفاقی مثل ۱۱ سپتامبر مقایسه کنید؛ زمانی که آن اتفاق در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در آمریکا رقم خورد، جهان به معنی واقعی کلمه با آمریکا همراهی کرد، حتی کشورهایی که دشمن آمریکا به شمار می‌رفتند، ابراز خوشحالی نکردند، فضا یک فضای سنگینی به نفع آمریکا بود؛ آمریکا هم مدعی بود که مظلوم واقع شده و در جایی که محل غیرنظامیان بوده، عملیات تروریستی اتفاق افتاده و همه دنیا هم این را تأیید نموده و از او حمایت کردند.

علاوه بر آن، آمریکا در اوج قدرت اقتصادی بود، کافیسیت شما فقط شاخص‌های اقتصادی آمریکای در سال ۲۰۲۳ را با ۲۰۰۱ مقایسه کنید؛ اصلاً قابل مقایسه نیست، از لحاظ بدهی و تورم و خیلی مسائل دیگر آمریکا قدرت بیشتری داشت، آمریکا سلطه بهتر و اجماع بیشتری در جهان و کشورهای دیگر داشت، اما کم‌کم رو به افول رفت.

حالا شما این را ببینید با اسرائیل مقایسه کنید؛ اگرچه در گذشته همه از اسرائیل حمایت می‌کردند اما امروز، بخش قابل توجهی از دنیا کاملاً حق را به فلسطین می‌دهند، در خود سرزمین‌های اشغالی و اسرائیل هم دعوا بوده و جامعه به شدت دوپاره است و حتی جنگ هم نتوانسته حداقلی از وحدت را برای آن‌ها فراهم کند، اتفاقی که در جنگ‌های قبلی به آن می‌رسیدند؛ یعنی بلافاصله می‌گفتند چون جنگ شده، پس حالا دیگر با هر اختلافی

که داریم یک کاسه شده و به سراغ دشمن می‌رویم، همچنان که آمریکا نیز در سال ۲۰۰۱ اتحاد بیشتری داشت و کاملاً در برابر یک اتفاق، یک دست بود و امروز دیگر خبری از آن قدرت و اتحاد وسلطه نیست؛ لذا این اتفاق به شدت برای ما می‌تواند تولید قدرت کند و باعث می‌شود سرمایه‌گذاری که ما در این سال‌ها در رابطه با فلسطین به لحاظ مادی و معنوی داشتیم، آرام‌آرام به ثمر برسد.

## فروپاشی اسرائیل

ممکن است این اتفاق همین الان منجر به فروپاشی اسرائیل نشود، ولی حتماً به این مسأله سرعت می‌دهد؛ خیلی‌ها می‌پرسند فروپاشی اسرائیل یعنی چه؟ دقیقاً شکلش چطوری است؟ این را کسی جز خدا نمی‌داند، می‌تواند تجزیه باشد، می‌تواند فرار گسترده ساکنین اش باشد و یا مدل‌های مختلف دیگر که الان ما صحبتی در این باره نداریم؛ حرف ما این است که این اتفاق حتماً به مسأله فروپاشی اسرائیل سرعت خواهد داد؛ حالا این فروپاشی و نابودی به هر شکل و صورتی که می‌خواهد تصور شود.



مجلس الثورة  
الوطني  
الجزائري

## در آستانه قله

یک بحثی را حضرت آقا به طور دائم متذکر می‌شوند، تحت عنوان تغییر نظم جهانی؛ این که شکل و مدل و سلطه قدرت‌ها در حال تغییر است و ما نزدیک به قله هستیم؛ ممکن است یک سری دوستان خودی دچار غفلت شوند و این را به شوخی بگیرند که ما با این همه مشکل چطور نزدیک قله هستیم؟ این سؤال ناشی از تصور غلط ما از پیروزی است؛ بعضی‌ها خیال می‌کنند اگر ما می‌خواهیم به پیروزی برسیم، نباید هیچ مشکلی در کشورمان وجود داشته باشد، در حالی که واقعیت، عکس این تصور است و قطعاً **در راه رسیدن به پیروزی، مشکلاتی هست که باید آن را حل کنیم**؛ آمریکای ابرقدرت هم در اوج سال‌هایی که در قدرت بوده، مشکلاتی داشته؛ نمی‌توان ادعا کرد که فقر و تورم و کارتن‌خواب و مشکلات



اقتصادی و... در آمریکا نبوده و نیست؛ ما نباید دچار ساده‌انگاری بشویم که چون لب قله هستیم و یا اصلاً قله را فتح کردیم پس دیگر هیچ مشکلی نداریم. چنین وضعیتی فقط در حکومت صاحب‌الزمان عَلَيْهِ السَّلَام اتفاق می‌افتد؛ معنی این‌که می‌گوییم لب قله هستیم این نیست که قرار است از فردا یک دکمه‌ای را بزنند تا همه مشکلات خودبه‌خود حل شود. نزدیک قله هستیم یعنی مسیری را که در سال ۵۷ شروع کردید و یک عده گفته بودند که این مسیر ۶ ماه بیشتر دوام نمی‌آورد و با وجود دو کودتا و جنگ، همه کار این انقلاب را تمام شده می‌دانستند، حالا آن ۶ ماه شده ۴۵ سال و ۶ ماه و الان هم اپوزیسیون واقع‌بین جمهوری اسلامی این را می‌فهمد که این اتفاقاتی که اخیراً رخ داد، در حدی نبود که بتوان اسمش را براندازی گذاشت؛ این‌که می‌گوییم لب قله هستیم؛ یعنی سال ۵۷ قدرتی مثل اسرائیل در غرب آسیا (خاورمیانه) وجود داشت که بعد از ۵ دهه مقاومت جمهوری اسلامی، هیمنه‌اش شکسته و دنیا فهمیده است که اسرائیل ضربه‌پذیر شده و امروز دنیا دارد فکر می‌کند به این‌که اسرائیل چگونه ممکن است فرو بیاشد و این مسأله خیلی مهمی است.

## تغییر نظم جهانی

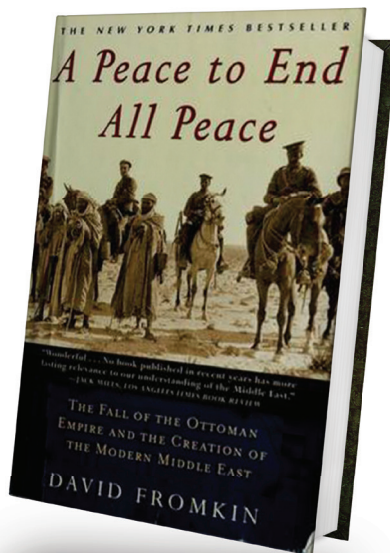
در کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد»<sup>۱</sup> نکته مهمی را در رابطه با فروپاشی عثمانی مطرح می‌کند و می‌گوید که عثمانی وقتی فروپاشید که سلطه‌اش از بین رفت و فروپاشی‌اش قابل تصور شد. اتفاقی که الان برای اسرائیل افتاده و سال گذشته می‌خواستند بر سر ما بیاورند؛ یعنی بارها می‌آمدند و می‌گفتند فرض کنید جمهوری اسلامی نباشد؛ اما واقعیت این است که الان اسرائیل دقیقاً در همان نقطه ایستاده است؛ هم از جهت اتفاقات سیاسی



اجتماعی که در درونش اتفاق افتاده و هم از لحاظ ضربه‌پذیری که از مقاومت دارد و این نظم جهانی را شما از این منظر ببینید؛ این که وقتی جنگ جهانی رخ می‌دهد، ایران کشوری است که نهایت کنش‌گری که می‌توانست بکند، این بود که خود را بی طرف اعلام کند؛ چاره‌ای هم نداشت یعنی اصلاً در آن دوره ما عددی نبودیم که بگوییم طرف آلمان هستیم یا آمریکا و یا ژاپن؛ ما مجبور به بی طرفی بودیم و نتیجه این بی طرفی مان، این شد که در هردو جنگ جهانی ایران را اشغال کردند، کشور دچار قحطی شد، اتفاقاتی افتاده که شاه مجبور شد برود و پسرش جای او بیاید، یعنی کاملاً وابسته به دیگران بودیم و آن‌ها بودند که برای ما تصمیم می‌گرفتند؛ اما امروز اتفاقی افتاده که در چند قرن اخیر بی سابقه است؛ این که الان ایران در جایگاهی ایستاده که یک جنگی آن‌ور دنیا مثلاً بین اوکراین و روسیه رخ می‌دهد، بعد خود آن‌ها می‌گویند که ایران با پهبادهایش معادلات جنگ چند هزار کیلومتر آن طرف‌تر را جابه‌جا می‌کند.

من از اینجا این‌طور برداشت می‌کنم که **قدرت آمریکا و غرب نسبت به قبل افت کرده و جمهوری اسلامی قوی‌تر شده؛ اما این به این معنی نیست که آمریکا دیگر ابرقدرت نیست و ما دیگر مشکلی نداریم؟ نه، ما مشکل داریم و مشکل ما همان ابرقدرت است ولی فاصله خیلی**

کمتر شده؛ یعنی می‌خواهیم بگویم تغییر نظم جهانی یک پروسه زمان‌بری است که آرام‌آرام در حال رخ دادن است.



## مهره مؤثر منطقه

قبلا می‌گفتند که نقشه ایران این است که در جنگ اوکراین و روسیه بیاید و پهباد بدهد، اما الان مسأله خیلی فراتر از این است؛ در بحث لبنان و سوریه و فلسطین و یمن و افغانستان و عراق و... خودشان می‌گویند ما دلیلی پیدا نکردیم که ایران نقش داشته باشد؛ خب چرا این حرف را می‌زنند؟ چون اگر دلیلی پیدا کنند، پس از آمریکا به عنوان ابرقدرت توقع می‌رود که با ایران برخورد کند و اگر برخورد نکرد یعنی زورش را ندارد. تا حالا برای شما سؤال پیش نیامده که چرا این بار بلافاصله مکرون، بایدن و... از همان اول اعلام کردند ما هیچ سندی نداریم که ایران پشت این قضیه باشد؟ در حالی که همه دنیا ارتباط بین ایران و فلسطین را می‌داند؛ بهترین دلیل بر این ارتباط، انقلاب ۵۷ است و واضح‌ترین سندش

هم این است که سفارت اسرائیل را ۴۵ سال پیش به دست فلسطین دادیم؛ مگر شما چه دلیل و سندی آشکارتر از این می‌خواهید که ایران پشت این قضیه هست یا نه؟ اما با این حال قبل از این‌که رهبر جمهوری اسلامی بیاید و بگوید که ما نقش مستقیم نداشتیم و خود ملت فلسطین را دست کم نگیرید، بایدن و مکرون می‌آیند و این حرف را می‌زنند، چون اگر ارتباط و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی را قبول کنند، برایشان گران تمام می‌شود، آن موقع بخشی از افکار عمومی اعم از صهیونیست‌ها و طرفدارهای‌شان در دنیا از آمریکا می‌خواهند که ایران را سر جایش بنشانند؛ آن موقع بایدن می‌خواهد چکار کند؟ با ایران وارد جنگ می‌شود یا تعامل جدید شروع می‌کند؟ پس **نظم جهانی یعنی این‌که انقلاب ما بدون اغراق و تعارف مسیر تاریخ را دچار تغییر کرده است.**

اگر انقلاب اسلامی در سال ۵۷ نبود، قطعاً دیگر مسأله فلسطین به این معنی وجود نداشت و تمام شده بود؛ یعنی تمام کشور فلسطین از شمال تا جنوب آن، به اسم اسرائیل و در دست او بود و حتی شاید اثری هم از نوار غزه و کرانه باختری هم باقی نمانده بود، ولی در سال ۵۷ اتفاقی رخ داد که نه تنها مانعی در برابر مستکبرین درست کرد، بلکه روز به روز، قدم به قدم دارد جلو می‌آید و طرف مقابل راهی جز انکار آن ندارد؛ چون می‌داند اگر آن را بپذیرد باید با او درگیر شود؛ خب تو مگر ابرقدرت نیستی؟ چرا جلوی ایران را نمی‌گیری؟ تو مگر آمریکا

نیستی؟ مگر نمی‌گویی اسرائیل متحد راهبردی من است؟ مگر نمی‌گویی اگر لازم باشد، برای تأمین منافع خودم و اسرائیل، جنگ هم می‌کنم؟ خب پس چرا این کار را نمی‌کنی؟ دلیلش این است که از رویارویی با جمهوری اسلامی هراس دارند.



محمد صادق شهبازی

## قرن سیاه

از قرن نوزده که قرن حضيض و بدترین دوره تمدن اسلامی است، یک نظم و فضای جدیدی بر جهان حاکم شد؛ در این قرن استعمار به عمق خودش رسیده و مناطق مختلفی از تمدن اسلامی را اشغال کرده و بخش عمده‌ای از تمدن اسلامی، مشخصاً در استعمار انگلیس و فرانسه درآمد و آخرین اتفاق مهم این قرن هم ماجرای جنگ جهانی اول و تشکیل امپراطوری عثمانی است؛ در همین قرن، اولین اقدامات برای اشغال فلسطین رقم خورد، شاید اولین قدم هم، ماجرای خرید زمین بود؛ اما کل خاکی که اسرائیلی‌ها خریدند یک و نیم درصد است و آن یک و نیم درصد را هم به واسطه امثال سیدضیاء طباطبایی و به وسیله دلالتی بهائی‌ها به دست آوردند، پس این ادعایی که می‌گویند فلسطینی‌ها زمین فروختند، کلاً

در مورد یک و نیم درصد خاک فلسطین صادق است، یک درصد هم زمین‌هایی بود که در قیمومیت امپراطوری انگلیس بود و انگلیس در اختیار اسرائیل گذاشت؛ پس مجموعاً دو و نیم درصد کل خاک این‌جا در اختیارشان بود و بقیه را با کشتار، ترور و با گرفتن زمین‌ها و تشکیل دادن مزارع اشتراکی اشغال کردند.

## سال‌های سرنوشت‌ساز

فلسطینی‌ها از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۳۹ (شروع جنگ جهانی دوم) مدام داشتند برای رهایی از استعمار انگلیس تلاش می‌کردند و دست به شورش و انقلاب می‌زدند که مهم‌ترین اقدامشان، قیام و انقلاب شهید بزرگوار عزالدین قسام است و انگلیس هم مدام آن‌ها را سرکوب می‌کرد و دست یهودی‌ها را باز گذاشته بود.

سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ همه چیز تحت تأثیر جنگ جهانی دوم بود و یک فضای سرکوب بر جهان چیره گشت<sup>۲</sup>، در این دوره علی‌رغم این‌که فلسطینی‌ها تلاش زیادی می‌کنند تا از چنگال

---

۱. در بازه‌ای که اعلامیه بالفور آمد که انگلیس می‌خواهد در این منطقه دولت یهود شکل بدهد و اسرائیل را به رسمیت بشمارد.

۲. پیشنهاد می‌شود که در این موضوع، فیلم «نگهبان قدس» دیده شود.

انگلیس خلاصی یابند، اما انگلیس در این بازه، غالب بود و اجازه تحرک به آن‌ها نمی‌داد و از بازه ۱۹۴۵ به بعد یهودی‌ها هم قدرت یافتند و تا سال ۱۹۴۸ مدام عملیاتی بر علیه فلسطینی‌ها و حتی انگلیسی‌ها شکل دادند و به این ترتیب تا آن زمان، تقریباً ده درصد از خاک فلسطین را تحت اختیار خود درآوردند، از سال ۱۹۴۸ اسرائیل اقدامات جدی خود را آغاز نمود تا جایی که توانست در مدت کوتاهی، با کشتار جدی<sup>۱</sup> قلمرو خود را از ده درصد به نزدیک چهل درصد از خاک فلسطین افزایش دهد و انگلیس هم مجبور شود که اعلام خروج کند، میزان مقابله دولت‌های اسلامی هم بسیار محدود بود و نهضت مهم و قدرت‌مندی از سوی فلسطینی‌ها اتفاق نیفتاد و مردم نیز پراکنده شدند و به نقاطی مثل نوار غزه پناه بردند؛ این‌که امروز غزه پر جمعیت‌ترین نقطه دنیاست و حتی از منهتن آمریکا هم پرجمع‌تر است و حدود دو میلیون نفر در منطقه‌ای کوچک‌تر از کرج ساکن هستند و به خاطر همین تراکم جمعیت بالا، در هر جنگ و عملیات، ما صدها شهید می‌دهیم، علتش اجتماع فلسطینی‌های آواره‌ای است که از سال ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ به بعد آواره شدند و به غزه پناه آوردند.

---

۱. ماجرای کشتار کفرقاسم مطالعه شود.

## تحرکات محدود

آرام آرام اسرائیل بر تمام خاک فلسطین چیره شد و فقط این طرف، یک نوار باریک کوچک تر از کرج و آن طرف یک کرانه<sup>۱</sup> باختری رود اردن باقی ماند و این ها دو تکه کامل از هم جدا هستند و تقریباً تا زمان نواب صفوی مقاومتی دیگر وجود ندارد. او کسی است که به دانشگاه های مصر رفته و بر علیه اسرائیل سخنرانی می کند و یک سری از چهره های اصلی جهان عرب را با خود همراه کرده و به مرز اسرائیل می رود.

این جا دانشجویی به اسم یاسر عرفات تحت تأثیر نواب صفوی حرکتی را آغاز کرد، اما این حرکت در دورانی رقم خورد که گفتمان چپ و بعد از آن، گفتمان پان عربیسمی حاکم بود؛

---

۱. کرانه به به باریکه ای از خشکی در حاشیه یک پهنه آبی گفته می شود.

یعنی گفتمانی که می‌گفت باید ناسیونالیسم عربی ایجاد کنیم و جمال عبدالناصر حاکم شد، آقای یاسر عرفات نیز مبارزات خود را با نگاه غیراسلامی شروع کرد و سبب شد ملت فلسطین که در فشار خیلی شدید بودند، کم‌کم امید گرفتند، منتها این مبارزه تقریباً به هیچ دستاوردی نرسید و تبدیل به یک نهضت و حرکت حاشیه‌ای شد.

## نهضت‌های عربی

در سال ۱۹۵۶ همچنان اسمی از مقاومت جدی فلسطین نیست، اما دولت‌های عربی به جنگ با اسرائیل رفتند و شکست خوردند و لی باز در سال ۱۹۶۷ برگشتند و دوباره با اسرائیل درگیر شدند و این بار شکست جدی خوردند و در نتیجه آن، صحرای سینا، بلندی‌های جولان، مزارع شبعا اشغال شد و اسرائیل دایره خودش را از سی‌چهل درصد تقریباً به هفتاد هشتاد درصد خاک فلسطین رساند و تقریباً بدون هیچ معارض جدی به کار خودش ادامه داد، فقط در این دوره



۱. پیشنهاد می‌شود در این موضوع، کتاب «زندگی من» نوشته گولدا مایر و تألیف انتشارات ایران مطالعه شود.

نمادهای مقاومت از جمله یاسر عرفات و ابوجهاد سعی بر آن داشتند که اقدامات ریز و کوچک ایدائی علیه اسرائیل انجام بدهند تا سال ۱۹۷۳ یوم کیپور تقریباً مصادف با همین شنبه‌ای که بچه‌های حماس حمله کردند، جنگ ۶ روزه شکل گرفت و دوباره مصر، اردن، عراق و سوریه وارد جنگ شدند و همان روزهای اول جنگ ۱۰۳ نفر کشته از اسرائیل گرفتند، همچنین صحرای سینا را به طور کامل آزاد کردند و وارد خاک اسرائیل شدند.

اسرائیل که موقعیت خود را در خطر دید، ابتدا ملک عبدالله اردن را با مذاکره از صحنه خارج کرد، بعد هم بین مصر و سوریه اختلاف انداخت و از طرفی یک کریدور هوایی از طرف فرانسه و آمریکا شکل گرفت که اسرائیل را نجات دادند و شاه ایران هم تحریم نفتی که عرب‌ها بر علیه اسرائیل اعمال کرده بودند را شکست و این جنگ نیز بدون ثمر ماند و باز لشکر عرب شکست خورد و تصویری که از اسرائیل در ذهن آن‌ها ساخته شد، این بود که لشکر اسرائیل، «اسطوره جیش لایقهر» یعنی یک ارتش شکست‌ناپذیری است که تحت هیچ شرایطی شکست نمی‌خورد؛ **نکته اصلی در مورد این جنگ این است که صحنه‌گردانش**

**یک سری از دولت‌ها بود و نیروی مقاومت هیچ دخالتی در آن نداشت.**

## شکل‌گیری مقاومت

سال ۱۹۷۸ هم‌زمان با آغاز انقلاب در ایران، جوانی به نام فتحی شقاقی سخنانی‌های حضرت امام را از رادیو مصر می‌شنود و تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی به فلسطین بازمی‌گردد و سعی بر آن دارد تا عده‌ای را با خود همراه کند و حرکتی راه‌بیان‌دازد، اما کاری از پیش نمی‌برد و همچنان تا سال ۱۹۸۷ اقدام جدی در فلسطین به چشم نمی‌خورد؛ اما در همان بازه زمانی، هم‌زمان با ربوده شدن امام موسی صدر<sup>۱</sup>، یک عده از بچه‌های حزب امل (ابوهشام و عده‌ای دیگر) تصمیم می‌گیرند از امل<sup>۲</sup> جدا شوند و یک جریان امل اسلامی شکل دهند

---

۱. سال ۱۹۷۸.

۲. جنبش امل یکی از دو حزب عمده شیعه در لبنان است که در سال ۱۹۷۴ توسط سید موسی صدر پایه‌گذاری شد.

که این حرکت مصادف می‌شود با سفر حاج احمد متوسلیان و حاج همت و حاج سعید قاسمی به آن مناطق برای جنگ با اسرائیل که حضرت امام در پیامی به این سه نفر دستور می‌دهند که برگردند و فقط آموزش بدهند، لذا آن‌ها پادگان آموزشی تحت عنوان «جنتا» شکل می‌دهند و به این ترتیب، مقاومت اسلامی لبنان در سال ۱۹۸۲ به صورت جدی شکل می‌گیرد و وقتی هم که در سال ۱۹۸۲ اسرائیل اقدام به اشغال جنوب لبنان کرد و کسی نبود که جلودار آن باشد تا جایی که توانست تا بیروت پیش روی کند، بچه‌های امل اسلامی بودند که در برابر اسرائیل مقاومت کردند و تحت عنوان جهاد اسلامی شروع به عملیات‌های استشهادی نمودند و مقر مارینزهای فرانسوی و آمریکایی را با چند تانک ان تی منفجر کردند؛ همین مقاومت اسلامی در لبنان، بعدها «حزب‌الله» نام گرفت.

# هدف...

مبارزه [برای آزادی فلسطین]،

آزادی همه‌ی سرزمین فلسطین - از بحر تا نهر -

و بازگشت همه‌ی فلسطینیان به کشور خویش است.

۱۳۹۹/۰۳/۰۲





## آغاز جهاد

در سال ۱۹۸۷ پس از سال‌ها سکوت، شاهد اولین اقدام جدی اسلامی از طرف فلسطینی‌ها هستیم؛ این‌که در کشتار خونین مکه حاضر می‌شوند و می‌بینند که ایرانی‌ها چگونه با دست خالی مقابل ارتش سعودی ایستادند و بیش از دویست شهید دادند و بیش از دویست نفر هم از بچه‌های عرب شهید شدند؛ تقریباً چهل روز بعد از این واقعه بود که جهاد در فلسطین شکل می‌گیرد و انتفاضه سنگ آغاز می‌شود؛ این خیزش اگرچه دستاوردی نداشت اما فقط صرفاً برای حفظ هویت راه‌اندازی شد و ادامه داشت تا لحظه‌ای که یاسر عرفات با مذاکرات صلحش آن را شکست.

بعد از شکل‌گیری جهاد، بچه‌های اخوان المسلمین جمع شدند و حماس را تشکیل دادند، حماس هم توانست از این دایره گسترده مردمی اخوان المسلمین که در همه جا وجود دارد استفاده کند و به طور جدی فعالیتش را شروع کند، اما اسرائیل در سال ۱۹۹۱ همه رهبران مقاومت و حماس که بیش از ۴۰۰ نفر بودند را از مرز بیرون کرد، اما ایران از آن‌ها حمایت کرد و پشت مرزهای اسرائیل نگهشان داشت تا اسرائیل مجبور شد این چهارصد نفر را پس بدهد.

## موج جدید مبارزات

بعد از سال ۱۹۸۲ اتفاق مهم در دهه نود رخ داد و آن این که پدیده‌ای به نام استشهادیون<sup>۱</sup> هویدا شدند و شروع به عملیات‌های اشتهادی کردند و از این طریق توانستند جنوب لبنان را آزاد کنند؛ در مقابل، اسرائیل هم در سال ۱۹۹۶ عملیات بزرگ را تحت عنوان خوشه‌های خشم طراحی کرد که اگر آن عملیات به نتیجه می‌رسید، منجر به حذف کامل حزب‌الله و مقاومت در لبنان می‌شد.

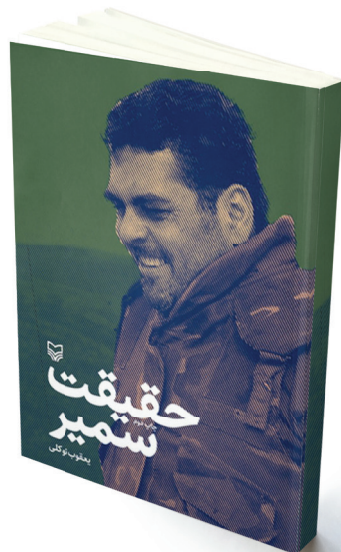
از طرفی دیگر، حماس در فلسطین، مدام جهاد داشتند و عملیات انجام می‌دادند تا سال ۲۰۰۰ که دو اتفاق مهم رقم خورد؛ یکی، مقاومت لبنان که برای اسرائیل مسأله ایجاد کرد،

---

۱. پیشنهاد می‌شود در این موضوع به کتاب «پاره‌های پولاد» حمید داوودآبادی مراجعه شود.

تا جایی که اسرائیل مجبور به ترک جنوب لبنان شد و فرار کرد، فقط بعضی از چهره‌های مهم مقاومت مثل سمیر قنطار، گیرانی، عبدالکریم عبید را با خودش به خاک اسرائیل برد. ماجرای دوم، شهادت محمد الدرّه بود؛ طفل فلسطینی که بدون هیچ جرمی در کنار پدرش به شهادت رسید و همزمان با آن آریل شارون (یک مسئول بلندپایه اسرائیلی) برای اولین بار به مسجدالاقصی رفت؛ پس دوباره انتفاضة الاقصی شکل گرفت و نیروهای مقاومت برای اولین بار با سلاح سبک به طور جدی با اسرائیل درگیر شدند، اسرائیل هم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ شروع به ترور رهبران مقاومت کرد و اشخاصی همچون فتحی شقاقی و شیخ احمد یاسین و عبدالعزیز رنتیسی را به شهادت رساند، اما در سال ۲۰۰۵ بر اثر مقاومت، اسرائیل برای اولین بار مجبور شد از یک منطقه اسلامی عربی (نوار غزه) عقب‌نشینی کند؛ در سال ۲۰۰۶ حماس توانست یک سرباز اسرائیلی را به اسارت بگیرد و علی‌رغم همه ریزنی‌ها، چون مقاومت حاضر نشد این اسیر را آزاد کند، اسرائیل دوباره به غزه حمله کرد و سه هفته، کل غزه را شخم زد، اما نتوانست چیزی پیدا کند.

در همان بازه زمانی حزب الله نیز اقدام به عملیات اسیرگیری کرد، با این استدلال که اسرائیل در تبادل اسرا یک نفر (سمیر قنطار)<sup>۱</sup> را نگه داشته و حاضر نشده که آزادش کند؛ این اقدام اگرچه ظاهرش یک عملیات انتقام جویانه بود ولی در اصل برای این بود که فشار را از روی غزه بردارد تا مقاومت از بین نرود، دقیقاً به همان دلیلی که جنگ ۳۳ روزه راه افتاد، یعنی حفظ خود مقاومت؛ این که سید حسن آمد وسط جنگ و گفت اگر اسرائیل ادامه بدهد ما حیفا و ما بعد حیفا را می‌زنیم، دلیلش چه بود؟ در حالی که اگر ما حیفا و تل‌آویو را هم می‌زدیم هیچ اثر و فائده‌ای نداشت، صرفاً ما با این تهدید موازنه ترس ایجاد کردیم.



۱. برای شناخت بیشتر در مورد این شخص به کتاب «حقیقت سمیر» نشر سوره مراجعه شود.

## سلسله شکست‌های اسرائیل

در سال ۲۰۰۸ جنگ ۲۲ روزه غزه اتفاق افتاد و اسرائیل آمد تا غزه را شخم بزند و حماس را نابود کند، اما حماس توانست ۲۲ روز مقاومت کند؛ در سال ۲۰۱۱ انقلاب‌های عربی شروع شد و جوان‌های فلسطینی یوم‌النکبة ۲۰۱۱ جمع شدند تا به سمت اسرائیل بروند و حتی یکی از این‌ها تا خود بیت‌المقدس هم پیش رفت و درگیری شدیدی رخ داد که اسرائیل، آن را از ایران دانست ولی اتفاقی نیفتاد. در سال ۲۰۱۲ باز اسرائیل حمله کرد، اما ۸ روز بیشتر نتوانست دوام بیاورد و عقب‌نشینی کرد. در سال ۲۰۱۳ ترکیه کشتی حاوی کمک‌ها بشردوستانه را شکل داد و به سمت غزه راه افتاد تا حصار را بشکند، اما اسرائیل به این کشتی یورش برد و ۳۰ نفر از آن‌ها که اکثرشان ترکیه‌ای بودند را شهید کرد؛ این ماجرا هم

خیلی سروصدا کرد. در سال ۲۰۱۴ دوباره جنگی را بر علیه غزه راه انداخت که پس از ۵۲ روز نتوانست حماس را شکست بدهد و از پای دریاورد. در سال ۲۰۱۶ بیش از سیصد نفر از جوانان و نوجوانان فلسطینی که با دست خالی در راهپیمایی شرکت کرده بودند را قتل عام کردند، در حالی که بسیاری از این ها نه تنها عضو حماس و جهاد نبودند، بلکه حتی مذهبی هم نبودند. در سال ۲۰۲۱ به دلیل این که اسرائیلی ها به مسجدالاقصی تجاوز کردند و به خانمها اذیت و آزار رساندند، سیف القدس در ماه رمضان درگیری راه انداخت که در آن جا هم مقاومت شکست نخورد. در دو فقره درگیری آخر نیز که در سال ۲۰۲۲ اتفاق افتاد، اسرائیل فقط با جهاد درگیر بود و اصلا حماس وارد صحنه نشد.



## عملیات بی سابقه

این جریانات را من فهرست وار متذکر شدم تا بفهمیم که جبهه مقاومت در همه جنگ ها و عملیات ها تا کنون در حال واکنش بوده؛ یعنی فضا به گونه ای بوده که اسرائیل جنایت می کرد و مقاومت تلاش داشت تا خودش را حفظ کند و سعی می کرد موازنه رعب ایجاد کند و جلوی این ماجرا را بگیرد؛ اما این **عملیات اخیر به نام «طوفان الاقصی»**

در روز شنبه با همه عملیات‌های گذشته فرق می‌کند، چنین عملیات بی‌سابقه‌ای از طرف غزه‌ای صورت می‌گیرد که دائماً با دوربین و ماهواره و... تحت نظر است؛ الان یکی از مهم‌ترین سؤالات امنیتی اسرائیلی‌ها این است که این‌ها کجا آموزش دیدند که این‌گونه با پاراگلایدر آمدند، این منطقه‌ای که در آن عملیات شد، غلاف غزه یا قطاع غزه نامیده می‌شود که کاملاً امنیتی و بسته است، سدیروت، یک منطقه فوق امنیتی است، به طوری که وقتی غزه بمباران می‌شد، اسرائیلی‌ها می‌آمدند روی تپه‌های اینجا و تخمه می‌شکستند، عسقلان هم همین‌طور یک منطقه نفوذناپذیر بود؛ اصلاً غزه در حصار است، آن هم در حصار یک دیوار غیرقابل نفوذ؛ دیوار برلین که این همه شهرت یافته، ۱۳۷ کیلومتر است با ارتفاع ۳ متر اما این دیواری که دور غزه کشیده شده، ۷۳۷ کیلومتر است با ارتفاع ۸ متر که هیچ راه نفوذی در آن نیست.

بنابراین اتفاق که روز شنبه رقم خورد، شاید مهم‌ترین اتفاق مقاومت در صد سال اخیر بعد از انقلاب اسلامی باشد و این اغراق یا صرفاً یک بحث رسانه‌ای نیست.

# فلسطین

## و دیگر مناطق اشغال شده توسط رژیم صهیونیستی

- ☆ پایتخت
- مرکز استان
- شهر
- ✈ فرودگاه
- مرز بین المللی
- - - - - مرز قیمومیت پیشین فلسطین
- - - - - خط آتش بس
- - - - - مرز استان
- راه اصلی
- راه فرعی
- راه آهن
- خط لوله نفت

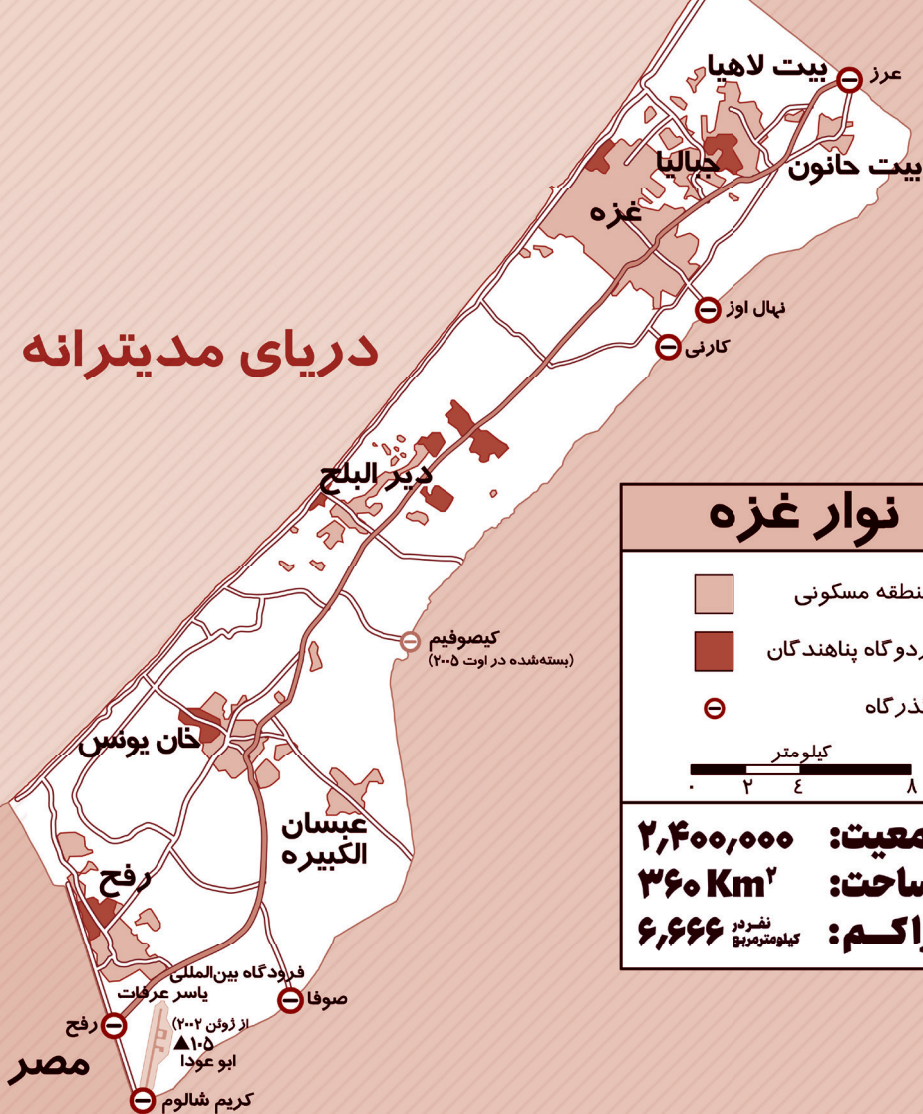
دریای مدیترانه



## موقعیت غزه

راه‌های امداد رسانی به غزه، همین گذرگاه رفح است که از جنوب به مصر متصل است که کاملاً بسته می‌باشد، حتی در دوره مُرسی، این قسمت بسته بود؛ بنابراین تنها راه باقیمانده، منحصر در نقبای زیرزمینی است که ایران به حماس یاد داد؛ آن هم عمدتاً یک سری نوجوان‌ها می‌رفتند این نقبا را می‌زدند ولی غالباً دولت مصر در دوره مبارک و سیسی و بعضاً دولت اسرائیل می‌آمد و این‌ها را ویران نموده و در آن گازه‌ای سمی خالی می‌کرد و یا مثلاً می‌آمد و بمب منفجر می‌کرد که در بسیاری از این موارد، این نوجوان‌ها و بچه‌ها شهید می‌شدند؛ بنابراین کل تغذیه و امکانات و تسلیحات، فقط از همین طریق به غزه می‌رسد و مابقی راه‌ها بسته است؛ یک طرف دریاست که در دست اسرائیل است، طرفی دیگر هم مرز اسرائیل است، جنوب هم که بسته است و فقط این یک قسمت را دارند که مخفیانه و دور از دسترس سیستم امنیتی حکومت مصر از آن عبور و مرور می‌کنند که **بارها در دوره مبارک و سیسی، افرادی به اتهام همکاری با حزب الله و کمک‌رسانی به غزه دستگیر شدند و محکوم به اعدام و حبس ابد گشتند.**

# دریای مدیترانه



## نوار غزه

- منطقه مسکونی
- اردوگاه پناهندگان
- گذرگاه



جمعیت: ۲,۴۰۰,۰۰۰

مساحت: ۳۶۰ Km<sup>۲</sup>

تراکم: ۶,۶۶۶ نفر در هر کیلومتر مربع

## شکست رسانه‌ای

مردم غزه در چنین شرایطی و بدون هیچ عقبه و تجربه‌ای توانستند عملیات کنند، در حالی که در جنگ عرب‌ها با اسرائیل در سال ۱۹۴۸ کشورهای عربی سابقه جنگ داشتند و چندتا کشور در کنار هم بودند، حتی حزب‌الله هم در جنگ ۲۰۰۶ تنها نبود و ایران پشتش بود و حاج قاسم به طور مستقیم در صحنه و میدان بود و ما از طریق سوریه چیزهایی می‌رساندیم، بر خلاف غزه که هیچ یک از این امکانات را ندارد و فقط دو گروه کوچک حماس و جهاد بدون هیچ عقبه و پشتیبانی و بدون این‌که حتی رهبران حماس و بسیاری از گروه‌های فلسطینی در جریان باشند، فقط با چند صد نفر آمدند و چنین عملیاتی کردند و به نقاطی مثل غلاف امنیتی عسقلان و سدیروت زدند و توانستند این‌گونه شکست امنیتی

با غافل‌گیری ایجاد کنند و تلفات چند هزار نفری بگیرند، در حالی که در جنگ ۱۹۷۳ تمام لشکر عرب در میدان حاضر شدند و فقط توانستند ۱۰۳ نفر از اسرائیل تلفات بگیرند.

**جبهه مقاومت با این عملیات توانست برای اولین بار صحنه را عوض کند و به جای واکنش نشان دادن، کنش‌گر باشد و اسطوره جیش لایقه و ارتش شکست‌ناپذیر را بشکند.**

کدام عملیات نظامی می‌تواند این تحقیر را بشکند؟ غزه رژیم را تحقیر کرد که به تنهایی کل عرب‌ها را شکست داده بود، اسرائیل بیشتر از این که شکست نظامی خورده باشد شکست رسانه‌ای خورد، تصویری که از اسرائیل در رسانه‌ها بود، یک دولت مقتدر شکست‌ناپذیری که سیستم امنیتی جدی و بالایی دارد و آمریکا و فرانسه هم پشتش هستند و هیچ‌رقه نمی‌شود این را تکان داد؛ اما این تصویر شکست؛ لذا ما می‌گوییم این اتفاق بعد از انقلاب اسلامی، مهم‌ترین کار جریان مقاومت در صد سال اخیر، در مقابل نظام سلطه و استعمار است؛ چون در این عملیات، طراحی، غافل‌گیری، تبدیل واکنش به کنش، شکستن اصلی هیمنه اسرائیل وجود دارد و اگر اسرائیل در مقابل، کل غزه را شخم بزند و شهدای ما به چند هزار نفر برسند، باز این شکست اسرائیل جبران نمی‌شود و آن تصویر و هیمنه او بر نمی‌گردد.

## نظم جدید

مراد از اصطلاح نظم جدید که در کلام حضرت آقا آمده چیست؟ یعنی اولاً نظمی را که بعد از جنگ جهانی دوم و فروپاشی عثمانی شکل داده بودند که قدرت تعیین‌کنندگی داشتند، کشورها را به استعمار درآورده و با زبان زور سخن می‌گفتند و دم از کشتی‌های توپ‌دار انگلیس، می‌زدند و صحنه را تغییر می‌دادند شکسته است، ثانیاً: قدرت‌های جدیدی وارد صحنه شدند، ثالثاً: صحنه و امکانات تغییر کرده است، رابعاً: ما قوی شدیم، خامساً: امکان این هست که با عمل‌مان صحنه را تکمیل‌تر کنیم،

## اوضاع خطیر امروز

حضرت آقا فرمود الان باید اقدامات مهمی در داخل کشور انجام شود و هشدار دادند که امروز مثل دوره قاجار، خطر در کمین است و اگر بیدار نباشید، ممکن است به چند سده قبل پرتاب شویم، امروز مقاومت در این صحنه یک کار خیلی بزرگی انجام داده که باعث شده همه معادلات تغییر کند و احتمال دارد طبق این شرایط، اگر فشار روی غزه ادامه پیدا کند، در چند روز آینده، حزب الله وارد درگیری زمینی شود، کما این که چند روزی است درگیری موشکی را آغاز کرده، آن هم در شرایطی که اتفاقاتی در درون خود لبنان در حال رخ دادن است؛ دو هفته قبل دروزی‌های لبنان علیه ایران و هر فرد وابسته به ایران

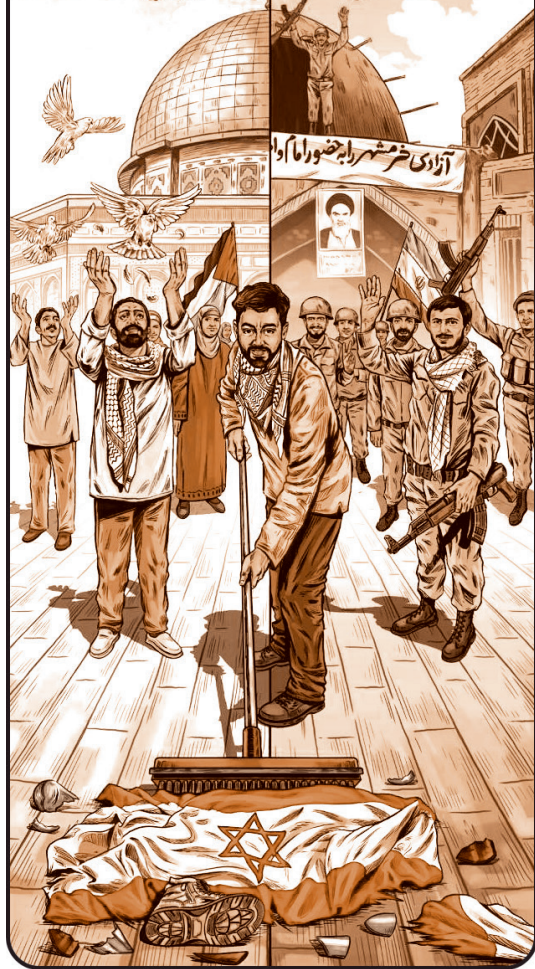
---

۱. یک گروه قومی-مذهبی عرب بر پایه علوم خفیه و یکتاپرستی و تأثیر پذیرفته از اندیشه‌های فیلسوفان یونانی به

اعلام جهاد کردند، حالا من موارد دیگر را شرح نمی‌دهم؛ مثل ماجرای ۸ مارس، ۱۴ مارس، انتخابات لبنان، رفیق حریری، ماجرای بندر بیروت و... خب این واقعه در این شرایط ممکن است به کجا بیانجامد؟ ممکن است کشتار بسیاری اتفاق بیفتد، غزه را شخم بزنند ولی تصویر شکسته و ابهت درهم ریخته شده‌شان را نمی‌توانند درست کنند.

در چنین وضعیتی، **خواست حضرت آقا از جوانان و دانشجوها این است که بیایید و وارد میدان شوید و اوضاع را درک کنید و به مردم خودمان اطلاع‌رسانی کنید و در مرحله بعد، مردم منطقه و جهان را آگاه سازید.**

# قلاس خرمشهری دیگر است



## طعم پیروزی

عرب‌ها و فلسطینی‌ها از بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی تا به امروز مدام تحقیر شدند، آیا آن‌ها خاطره‌ای از پیروزی‌شان در ذهن دارند؟ ما هزار خاطره پیروزی داریم؛ پیروزی انقلاب، فتح خرمشهر، دهه شورانگیز هشتاد، رشدهای علم و فن‌آوری و پیشرفت‌های موشکی و هسته‌ای و... اما عرب‌ها تا کنون هیچ یک از این شیرینی‌ها

را درک نکرده بودند و این اولین احساس غرور جهان اسلام و جهان عرب است. طبیعتاً جمهوری اسلامی نیز از این پیروزی خوشحال است، اما این پیروزی‌ها برای جمهوری اسلامی تازگی ندارد و یک بار طعم این پیروزی را در انقلاب ایران تجربه کرده و یک بار هم در ماجرای جنگ ۳۳ روزه چشیده است؛ پیروزی که حتی شاعران معروف اهل تسنن می‌آمدند و در وصف آن ترانه‌سرایی می‌کردند.

شیعه در تاریخ، دو بار عزیز شد؛ یکی در ماجرای انقلاب اسلامی و دیگری در جنگ ۲۰۰۶ که منجر به پیروزی حزب‌الله گردید و اما **امروز اتفاقی جدید رقم خورده که احساس هویت برای همه جهان اسلام است.**

## وظیفه امروز ما

تا اینجا فهمیدیم که این ماجرا عادی نیست و خیلی مهم است، فهمیدیم که دارد ورق برمی‌گردد، فهمیدیم که نظم جدیدی در دنیا شکل گرفته و جبهه مقاومت به جایی رسیده که مثل سابق نمی‌نشیند نگاه کند تا دائماً شهید بدهد و گریه کند و دیگر قرار نیست که فقط ما به فکر تشییع تابوت باشیم.

خب حالا در این شرایط چکار باید کرد؟ همان بحثی که رهبر انقلاب در دیدار دانشجوی امسال و پارسال مطرح کردند و گفتند: **اگر قرار است که در این صحنه حضور جدی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری داشته باشید، باید یک نقش محوری ایجاد کنید.**

یک: باید یک فضای تبیینی برای داخل کشور صورت بگیرد، در همین یک هفته جریان ضد انقلاب شروع کردند، به تخریب حماس و جریان مقاومت و شبهاتی را هم مطرح کردند که فلسطینی‌ها خودشان این جوری کردند، فلسطینی‌ها خودشان زمین فروختند و چیزهای دیگری از این دست؛ ما باید تبیین کنیم که صحنه اصلی چگونه بوده؟ مظلومیت چیست و مظلوم در این عرصه کیست؟ چرا مقاومت این‌گونه عمل کرد و....

دو: باید این پیام‌ها به خارج از کشور مخابره شود، باید گروه‌های جوان ما بلند شوند و مجموعه سلبریتی‌های مهم دنیا را شخم بزنند و از آن‌ها مطالبه کنند؛ خصوصاً به سراغ سلبریتی‌های مهمی که همیشه مواضع سیاسی می‌گیرند بروید و روشن‌گری کنید، بعد سراغ کسانی که الان در جهان عرب دارند خیانت می‌کنند و به نفع اسرائیل حرف می‌زنند و حمایت می‌کنند بروید و بر او و حرف‌ها و مواضعش بتازید.

**جهانی نگاه کنید و دایره فعالیت‌تان را منحصر در ایران و سلبریتی‌های ایرانی نکنید، به هر کسی که در هر جای دنیا چرت و پرت می‌گوید و می‌نویسد، هجمه ببرید و استدلال کنید و زیر سؤال ببریدشان و فکر نکنید که سلبریتی‌های آن‌ها در یک فضای عجیب غریبی هستند؛ نه، مثل سلبریتی‌های خودمان‌اند.**

بعد بروید سراغ سفارت‌های آن‌ها و به جای این‌که سنگ بزنید، این جنایت‌ها را تبیین کنید و بگویید مثلاً الان انگلیس دوباره اعلام کرده که می‌خواهد پرچم فلسطین را به عنوان این‌که پرچم تروریستی است ممنوع کند، بردارید همین‌ها را به سخره بگیرید؛ این‌که حضرت امام فرمود هرکس یک سطل آب بریزد، یعنی چی؟ یعنی هرکسی یک کار کوچکی انجام بدهد، مجموع این فعالیت‌ها، سیلی می‌شود که واقعاً می‌تواند اسرائیل را با خود ببرد. باید این ماجرا را مردمی کنیم و انرژی مردم را در این ماجرا آزاد کنیم تا مردم هر حرکتی که به ذهنشان می‌رسد در این راه انجام بدهند؛ از این‌که بروند به مسجدهای شان و جوشن صغیر بخوانند و ابزار همبستگی کنند و عکس بگیرند تا این‌که گروه‌گروه به سفارت‌های مختلف بروند و تبیین کنند.

نیاز نیست که حتماً برای ابزار همبستگی به مرز اردن بروید، همین الان کلی کار وجود دارد که می‌توان در راستای حمایت از غزه انجام داد؛ خب اینترنت و فضای مجازی هست، **به جای این‌که خودمان و وقت‌مان را درگیر فورواردها، مطالب در نرم‌افزارهای داخلی کنیم، بنشینیم و ببینیم که چطور می‌توانید عملیات رسانه‌ای انجام بدهید، بنشینیم و مشورت کنیم و طراحی کنیم که آقا چطور می‌توانیم این‌ها را تارگت کنیم تا دردشان بیاید؟**

## امکان دخالت آمریکا

آیا با ورود حزب الله به این معرکه، پای آمریکا هم به جنگ باز می‌شود؟ خیر، امروز اولویت اول آمریکا اوکراین است، مگر این که این‌ها واقعاً ببینند که هستی و هویت اسرائیل در خطر است که در این صورت مجبور می‌شوند به طور مستقیم وارد عمل بشوند و کمک‌شان کنند، ولی فعلانی‌توانند به طور مستقیم، وارد عمل بشوند، به همان دلیلی که ما مستقیم وارد جنگ نمی‌شویم مگر این که اتفاقی خاصی بیفتد تا ما بخواهیم وارد جنگ بشویم. ولی حتماً آمریکا کریدور هوایی را فعال کرده و سلاح می‌رساند و کمک امنیتی می‌کند، اما دخالت مستقیمش خیلی بعید است؛ چون خیلی چیزها آن وقت درگیر می‌شود. آمریکا در این منطقه، هزار نقطه و پایگاه دارد که به آن حمله می‌شود، همچنین ایران و دیگران بهانه پیدا می‌کنند تا کارهای خارج از چهارچوب انجام دهند. ما هم اکنون ۵ لشکر کنار اسرائیل خوابانده‌ایم، خود آن‌ها هم حواس‌شان به چنین موازنه‌ی قوایی هست که اگر به بخواهد درگیری زمینی شروع شود، آن‌که بازنده است ما نیستیم یا حداقل ما آبی نیستیم که بیشترین هزینه را می‌دهد.

## جورسانه‌ای

امروز جو رسانه‌ای خوب نیست؛ چون ما کنش نداریم. ماجرای فلسطین حقوق بشری است، بالاتر از حتی ماجرای اسلامی، این قدر این ماجرا واضح است که هرکسی ببیند تبیین می‌شود؛ فقط کافیست که به طور صحیح به دنیا منعکس شود؛ مردم اگر جنایت‌های اسرائیل را فقط در همین چند روز ببینند، همین که بدانند این شهرک‌نشین‌ها آدم‌های مسلحی هستند که می‌ایستند و موشک‌باران غزه را تماشا می‌کنند و تخمه می‌شکنند؛ این‌ها را ما اگر برای مردم تعریف کنیم، یک فضای دیگری به وجود می‌آید؛ مطلبی را من ۲۰ سال پیش تحت عنوان جهاد یک نفره برای آزادی مسجد الاقصی نوشتم؛ من آن موقع گفتم چکار می‌توانی برای آگاه‌سازی مردم بکنی؟ برو بکن.

ما در همین اغشتشاشات در محل خودمان، خانم‌های محل را آموزش دادیم و گفتیم به جای این‌که صرفاً در ای‌تا برای همدیگر ذکر بفرستید، شروع به عملیات کنید و مطالب و محتواها را از صفحه‌های معتبر بگیرید و نشر دهید، من می‌خواهم بگویم که این به خود شماها برمی‌گردد. ظرف مدت همین چند روز، مطالب و محتوای زیادی تولید و بارگزاری شد، همین‌ها را بردارید و نشر دهید، حتی اگر عربی و انگلیسی‌تان هم خوب نیست همین هشتک‌های اصلی طوفان الاقصی و طوفان القدس خود فلسطینی‌ها را دنبال کنید. الان خود ما در ایرانیم، نزدیک سیصد گرافیک منتشر کردیم، خب همین گرافیک‌هایی که بچه‌های جبهه انقلاب زدند به مردم نمی‌رسد.

**امروز شما اگر می‌خواهید کار کنید، از فامیل‌ها و جمع‌های دوستانه‌ی خود شروع به گفتگو کنید، امروز حتی تبیین نفر به نفر اهمیت دارد.**

## هدف اصلی عملیات

هدف اصلی این حمله این بود که نظم بهم بریزد که ریخت، هیمنه بشکنند که شکست؛ نظم جدید این است که از این به بعد اگر بزنی دوبرابر می‌زنم، من دیگر به حدی رسیدم که کنش می‌کنم و دیگر اجازه نمی‌دهم که تو عملیات کنی و غلط اضافه‌ای انجام بدهی؛ فیلم و صوت محمد ضیف<sup>۱</sup> را بروید گوش کنید؛ علت این عملیات را این‌گونه بیان می‌کند: گفته بودیم به مسجدالاقصی اهانت نکنید و شما در این چند هفته اهانت کردید، گفته بودیم به زن‌ها کاری نداشته باشید و شما هتک حرمت کردید و در مسجدالاقصی کتک زدید، از این به بعد هر عملی از شما، یک عکس‌العمل از طرف ما را در پی دارد.

---

۱. یکی از فرماندهان بلندپایه حماس است که به عنوان فرمانده گردان‌های عزالدین قسام فعالیت می‌کند.

هدف نهایی این عملیات‌ها این است که دشمن به جایی برسد که ببیند دیگر زدن‌شان فایده ندارد و ما هم هر وقت دیدیم هزینه بالا می‌رود، طبق معمول قطر و مصر و... را وسط می‌اندازیم تا بروند و ماجرا را متوقف کنند.

اما ما از این قضیه چه می‌خواهیم و هدف ما چیست؟ ما می‌خواهیم قدرت تمام‌کنندگی خودمان را نشان بدهیم و برای آزادی اسرای مقاومت اقدام کنیم، برای اسرائیل شروط می‌گذاریم، برای مسجدالاقصی شروطی داریم، در مورد نوار غزه، آزادی آب و مواد غذایی و امور بشردوستانه می‌خواهیم و همین‌طور احتمالاً برای کرانه باختری امتیاز خواهیم گرفت.

## حمله همه جانبه

چرا وقتی غزه به اسرائیل حمله کرد و یا یک غافلگیری توانست خسارات و تلفات زیادی به اسرائیل وارد کند و تا عمق زیادی وارد خاک اسرائیل شود، هم‌زمان با آن، ایران از طریق حزب‌الله دستور حمله زمینی نداد تا حزب‌الله با تمام قوت وارد شود و از طرفی هم انصارالله حمله کند تا حدود بسیار زیادی، کار اسرائیل یک سره شود و اگر آمریکا می‌خواست وارد جنگ شود، ایران تهدید به ورود به جنگ و حمله به پایگاه‌های آمریکا می‌کرد.

علتش این است که قدرت ما و اسرائیل قدرت نرم است، قدرت اسرائیل اسطوره جیش لا یقهر است، به این معنا که شکست ناپذیر است و قدرت نرم ما این‌که ما این است که ما در منطقه دست داریم و نمی‌گذاریم آمریکا کاری انجام بدهد؛ **تبدیل کردن قدرت نرم به قدرت**

سخت به سادگی، حماقت است، ما باید این موازنه تهدید را نگه داریم، ما بسیاری از سلاح‌ها که داریم، بیشتر تدافعی است و کسی که می‌خواهد تهاجم کند، باید از یک سری امکانات و شرایط برخوردار باشد؛ بلکه ما می‌توانیم از خودمان و از جریان مقاومت دفاع کنیم و اگر اسرائیل خرید کند و دست از پا خطا کند، قطعاً بد می‌بیند. همچنین ما می‌توانیم آمریکا را در منطقه زمین‌گیر کنیم، اما این دلیل نمی‌شود که ما در گام نخست، این همه هزینه نیروی انسانی و چیزهای دیگر ایجاد کنیم؛ بلکه باید به عنوان اولین گام، این موازنه قدرت نرم را حفظ کنیم و اگر می‌توانیم، هدفمان را با هزینه کم و با درگیر نکردن مستقیم خودمان، به دست بیاوریم و نباید برگه آخرمان را در همان مرحله اول خرج کنیم؛ ما باید به همه جوانب کار فکر کنیم؛ اگر ما این‌گونه عمل می‌کردیم و همه جریان مقاومت را درگیر این جنگ می‌کردیم و دشمن نیز با همه امکانات به مصاف می‌آمد و روسیه و چین و... هم حداقل بی‌طرف می‌ایستادند، آن وقت تکلیف چه بود؟ پس نمی‌شود به این راحتی قمار کرد.

یکی از رهبران حماس در جواب کسی که پرسیده بود، چرا در جنگ اسرائیل و جهاد، از جهاد حمایت نکردید، این‌گونه پاسخ داد که اگر جنگ تمام عیار باشد، ما کاملاً به صحنه می‌آیم ولی غزه یک ظرفیتی دارد که من اگر بخواهم روی هر موردی خرجش کنم، آن ظرفیت مردمی و انسانی غزه نمی‌تواند هزینه آن را بدهد.

ما نباید فقط نتیجه جنگ و پیروزی حاصل از آن را ببینیم، جنگ سختی و هزینه دارد و عاقلانه این است که ما در مقابل آمریکا و اسرائیل همیشه این موازنه قدرت و تهدید را حفظ کنیم و در کنارش هم بدنه مقاومت را داریم و گسترده‌ترش هم می‌کنیم و نیازی نیست که این قدرت نرم را به درگیری تمام عیار تبدیل کنیم. علاوه بر این که خود فلسطینی‌ها باید روی پای خودشان بایستند و برای آینده و مملکت و خاک خودشان کاری کنند، مگر این که واقعاً شرایط جوری سخت شود که احتمال نابودی غزه برود که در این شرایط قطعاً حزب الله وارد صحنه خواهد شد.

## حمایت از غزه

شبهه‌ای که ما با آن مواجه هستیم این است که آیا حمایت مادی و معنوی و هزینه‌هایی که ایران در طول سال‌های بعد از انقلاب برای مقاومت فلسطین کرده صرفاً اعتقادی بوده و یا برای ایران در حوزه سیاسی، اقتصادی و روابط بین‌الملل، تولید قدرت هم می‌کند؟ جواب این است که این حمایت‌ها فقط اعتقادی نیست؛ ما روز اولی که انقلاب کردیم، نه قدرت سیاسی بودیم و نه اقتصادی و نه فرهنگی، ما فقط در همان ابتدا به دو ابرقدرت روز دنیا نه گفتیم و با این حرکت در فضای علوم سیاسی و اجتماعی به یک قدرت نمادین تبدیل شدیم؛ یعنی نفی نظام دو قطبی و نظام تک قطبی و نفی اسرائیل و آفریقای جنوبی، سه تا نفی‌ای که ما از اول انقلاب تا امروز کردیم و همین امر باعث شد که ما به یک عنصر

محل دعوا تبدیل شویم و علاوه بر آن قدرت تمام کنندگی در منطقه پیدا کنیم و در جایگاهی قرار بگیریم که قدرت آمریکا را در منطقه، مشخصاً بر سر ماجرای اسرائیل به چالش بکشیم، همچنین این مسئله باعث شده که کشورهای منطقه مجبور به تعامل با ما و کوتاه آمدن در مقابل ما بشوند، مضاف بر آن، این موضع ما موقعیتی برایمان ایجاد می‌کند تا بتوانیم با یک عده دیگری مثل چین و روسیه به عنوان قدرت منطقه‌ای وارد تعامل بشویم، در زمینه اقتصادی هم، این موضع ایران سبب پیشرفت‌هایی شده؛ از جمله همین کریدور حاج قاسم که کریدور شرق به غرب است و یک خط مواصلاتی که همه محورهای مقاومت را به هم متصل کرده و می‌تواند راهی برای تعاملات اقتصادی فراهم آورد.

## جمعیت عرب اسرائیل

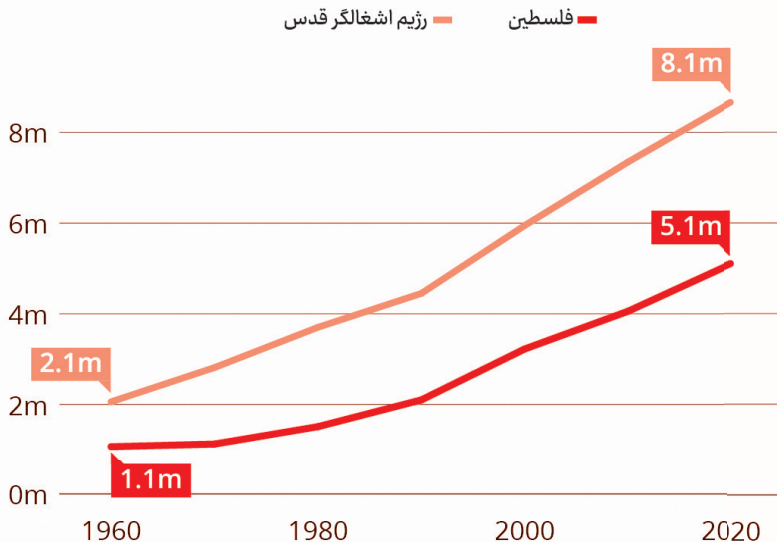
۳۰ درصد جمعیت اسرائیل را عرب‌ها تشکیل می‌دهند؛ آیا این عرب‌ها همان فلسطینی‌هایی هستند که در موقع تشکیل حکومت اسرائیل، زیر بار ظلم صهیونیست‌ها رفتند؟ خیر، همه این‌گونه نیستند، یک سری آدم بر اثر فشاری که از روز اول رویشان بود؛ مثلاً در یک قریه محدود شدند و راه مواصلاتی برایشان باقی نماند، مجبور شدند که شرایط اسرائیل را بپذیرند و یک عده هم عرب‌های خائنی هستند که خاک و هم‌وطن‌های خود را فروختند و با اسرائیل هم‌داستان شدند.

فضا در آن جا بسته است و هیچ راه ارتباطی هم با آن آدم‌ها نداریم و معلوم نیست که عرب‌های آن جا خائن هستند یا مجبور! پس ما اگر بخواهیم مقاومت واقعاً به طور جدی جلو

برود باید اول غزه و بعد کرانه باختری آزاد شود و از این طریق با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم و جوان‌های آن‌ها شناسایی شده و آموزش داده شوند و پشتیبانی گردند.

## رشد جمعیت فلسطین

جمعیت فلسطین و رژیم اشغالگر فلسطین بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۲۰۲۰ (جمعیت به میلیون)



Source: United Nations

امیرالمؤمنین در برابر ریابندگان حقش قیام نکرد  
و قیام نکردنش اضطراری نبود،  
بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود...  
علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که  
مصلحت اسلام در آن شرایط، ترك قیام  
و بلکه همگامی و همکاری است.  
او خود کراراً به این مطلب تصریح می کند.

که به دنبال ارتباط بیشتر  
مجتبان سیدالشهدا علیه السلام است...  
قرار نیست مشعر تولید کند.  
قرار است مشعر آینه تولیدات  
و فعالیت های شما باشد.  
اینجا، جای آرم هیأت شماست  
که باید در شماره های بعد پرش کنید...

  
**مشعر**  
www.1542.org  
info@1542.org  
۰۲۵ - ۷۵ ۳۸ ۱۴ ۱۱  
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲

جامعه ایمانی مشعر،  
محفلی است برای گرد آمدن  
هیأت های کشور،  
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت ها نیست،  
جامعهای فراتر از مرزهای نژادی و  
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.  
اجتماعی ایمانی و توحیدی است